آیا ما انتخاب می‌کنیم، یا تکامل به‌جای ما انتخاب کرده است؟

نویسنده: فرزانه فتحی

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



تصور کنید پشت ویترین یک کافی‌شاپ ایستاده‌اید. ده‌ها انتخاب پیش رویتان است: اسپرسو، آمریکانو، لاته، موکا... شما یکی را انتخاب می‌کنید و حس می‌کنید «این تصمیم مال خود من بود». اما آیا واقعاً همین‌طور است؟ روان‌شناسی تکاملی می‌گوید شاید ریشه‌ی انتخاب شما به هزاران سال پیش برگردد، زمانی که اجداد ما در دشت‌های آفریقا به دنبال منابع انرژی و کافئین طبیعی می‌گشتند. این پرسش ساده «چرا همین نوشیدنی را انتخاب کردم؟» به همان معمای بزرگ ختم می‌شود: آیا ما آزادیم یا تکامل از قبل مسیر را برایمان نوشته است؟

از نگاه تکاملی، ذهن انسان نه برای کشف حقیقت مطلق، بلکه برای «زنده ماندن» و «تولیدمثل» ساخته شده است. برای مثال، ترجیح ما به شیرینی شاید یک انتخاب شخصی به نظر برسد، اما در اصل میراث اجدادی است که هر بار منبع انرژی پرکالری پیدا می‌کردند، شانس بقایشان بیشتر می‌شد (Buss, 2019).

به همین دلیل، بسیاری از تصمیم‌های امروز ما، از خریدن شکلات در سوپرمارکت گرفته تا تمایل به فردی با ویژگی‌های ظاهری خاص، بازتاب الگوهایی هستند که در طول تاریخ به بقای گونه‌ی ما کمک کرده‌اند.

یکی از مشهورترین آزمایش‌ها در این زمینه متعلق به بنجامین لیبت است. او از داوطلبان خواست در هر لحظه‌ای که می‌خواهند انگشتشان را حرکت دهند، این کار را انجام دهند. شگفت‌انگیز اینکه فعالیت الکتریکی مغز چند صد میلی‌ثانیه قبل از آنکه فرد بگوید «تصمیم گرفتم حرکت کنم» آغاز شده بود (Libet, 1985).

این یافته به زبان ساده یعنی: مغز تصمیم را گرفته، سپس ما «فقط خبرش را دریافت می‌کنیم» و فکر می‌کنیم خودمان انتخاب کرده‌ایم. بعدها با اسکن‌های fMRI حتی توانستند چند ثانیه قبل از آگاهی فرد، پیش‌بینی کنند چه انتخابی خواهد کرد (Soon et al., 2008).

آیا این یعنی جبر مطلق؟

اگر همه‌چیز از قبل در مغز یا ژن‌ها نوشته شده باشد، پس مسئولیت اخلاقی چه می‌شود؟ آیا مجرمی که مرتکب قتل شده، در واقع «چاره‌ای» نداشته است؟ این‌جا جایی است که فیلسوفان و روان‌شناسان اختلاف پیدا می‌کنند.

آلفرد میله (2009) می‌گوید فعالیت‌های ناخودآگاه لزوماً به معنای حذف نقش آگاهی نیستند؛ شاید ذهن ناخودآگاه پیشنهادهایی می‌دهد و آگاهی نقش داور را دارد. درست شبیه هیئت‌مدیره‌ای که کارمندانش گزینه‌های مختلف را روی میز می‌گذارند، اما تصمیم نهایی با رئیس است.

تکامل آزادی را برای چه به ما داده است؟

دانیل دنت (2003) بر این باور است که آزادی اراده نه یک «قدرت ماورایی»، بلکه یک ویژگی تکاملی است. موجودی که بتواند آینده را تصور کند، پیامدهای تصمیم‌های مختلف را بسنجد و میان آن‌ها انتخاب کند، احتمال بیشتری دارد که زنده بماند.

تصور کنید اجداد ما باید تصمیم می‌گرفتند به سمت صداهای ناشناخته در جنگل بروند یا نه. اگر همیشه می‌رفتند، در معرض شکار قرار می‌گرفتند. اگر هیچ‌وقت نمی‌رفتند، فرصت کشف منابع تازه را از دست می‌دادند. پس ذهنی که بتواند «انتخاب مشروط» انجام دهد، مزیت تکاملی داشت.

باور به آزادی چه می‌کند؟

نکته‌ی جالب اینجاست: حتی اگر آزادی توهم باشد، باور به آن پیامدهای مهمی دارد. پژوهش روی بومایستر (2009) نشان داد وقتی افراد متنی درباره‌ی «توهم بودن آزادی اراده» می‌خوانند، احتمال بیشتری دارد که در آزمایش بعدی تقلب کنند یا پرخاشگر شوند. برعکس، وقتی افراد به آزادی باور داشته باشند، بیشتر تمایل دارند به دیگران کمک کنند.

به زبان ساده: شاید آزادی یک «اختراع روانی» باشد، اما همین اختراع، تمدن را سرپا نگه داشته است.

پرسش «آیا ما انتخاب می‌کنیم، یا تکامل به‌جای ما انتخاب کرده است؟» پاسخی قطعی ندارد. تکامل چارچوبی فراهم کرده، مغز ما برخی تصمیم‌ها را پیشاپیش می‌گیرد، اما حس «اختیار» خود بخشی از سازوکار بقاست.

شاید حقیقت این باشد: ما آزادیم، اما نه آن‌گونه که فکر می‌کنیم. آزادی ما نه پرواز در آسمان بی‌کران، بلکه حرکت در جاده‌ای است که تکامل ساخته؛ جاده‌ای با انحناها و محدودیت‌ها، اما با امکان انتخاب مسیرهای مختلف. و همین «امکان انتخاب» است که به زندگی ما معنا می‌دهد.

منابع:

- **Buss, D. (2019). Evolutionary Psychology: The New Science of the Mind. Routledge.**
- **Libet, B. (1985). Unconscious cerebral initiative and the role of conscious will in voluntary action. Behavioral and Brain Sciences, 8(4), 529–566.**
- **Soon, C. S., Brass, M., Heinze, H. J., & Haynes, J. D. (2008). Unconscious determinants of free decisions in the human brain. Nature Neuroscience, 11(5), 543–545.**
- **Mele, A. (2009). Effective Intentions: The Power of Conscious Will.**